

## مفهوم و جایگاه آب در فرهنگ ایرانی و دین اسلام و تبلور آن در فرهنگ مازنی‌ها

عالمه صالحی بالادهی: مدرس مدعو، گروه معماری، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران

Salehi13@yahoo.com

فرزانه عربعلی: مربی، گروه هنر، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران

F.arabali@yahoo.com

\*آتنا صالحی: مدرس مدعو، گروه هنر، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران

Salehi.atena@yahoo.com

### چکیده

بشر در طول حیات خود، هر از گاهی به دلیل نیاز یا محدودیت عنصری، به تقدیر و تقدس آن پرداخته است که با گذشت زمان این عناصر حرمت و اعتباری خاص یافته‌اند و اعتقادات و باورهایی در اطراف آن‌ها شکل گرفته است، آب نیز با پاکی و تقدسی که دارد یکی از این عناصر است. برای بشریت آب ماده حیاتی بوده و موجب رشد و شکوفایی تمدن‌ها می‌شود. مردم ایران، قبل از اسلام آن‌ها (اله آب) و بعد از اسلام، حضرت فاطمه (س) را مظهر آب می‌دانستند. انتخاب چنین افراد پاک و الهی به عنوان مظهر آب نشانی از اهمیت و نقش آب در زندگی ایرانیان بوده است. در تفکر اسلامی آب، عامل تذکر، به عنوان یکی از اساسی‌ترین منابع شناخت و وحدانیت الهی است. بررسی مبانی تفکر اسلامی درباره این عنصر طبیعی نشان از توجه ویژه کتاب مقدس قرآن به آب دارد. آب در فلسفه اسلامی بن هستی محسوب می‌شود. "وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ" (انبیاء، آیه ۳۰) و در عین حال عامل تطهیر نیز هست. هدف اصلی این پژوهش ارائه مفاهیم آب و جایگاه آن در فرهنگ ایرانیان و فرهنگ بومی مازندران و بررسی عقاید و دیدگاه‌های گوناگون و بالاخص دیدگاه اسلام در رابطه با آن می‌باشد. یافته‌های حاصل از این پژوهش با روش توصیفی، تحلیلی و تاریخی، با توجه به منابع کتابخانه‌ای می‌باشد و فرضیه به‌دست آمده نشان از اهمیت مفهوم آب از گذشته تا به امروز و به غیر از جنبه مادی، بعد معنوی که نمادی از زندگی می‌باشد دارد لذا احترام به آب و تکریم آن، به تمام اقوام و ملل و گیتی متعلق است و خاص یک قوم و ملت نیست. تقدس آب در شمار جهانی‌های فرهنگی انسانی است و در همه‌ی فرهنگ‌ها از جمله مازندران به شکلی و به درجه‌ای جایگاه اعتقادی دارد و نقش و تجلی آن فراوان بوده است.

واژگان کلیدی: آب، فرهنگ ایرانی، دین اسلام، فرهنگ مازنی.

## مقدمه

آب به عنوان یک عنصر حیاتی به شمار می‌آید به همین علت ارزش نهادن به این عنصر از طرف جامعه در طی زمان امری طبیعی به نظر می‌رسد. این موضوع که آب از آغاز حیات انسان اهمیتی شایسته داشته موضوع تازه و ناگفته‌ای نیست. حتی بشر غار نشین چشمه یا نهری را که در کنارش بود، سخت گرمی می‌داشت و هر چه در مسیر امرار معاش جلوتر می‌رفت بر این گرمی‌داشت افزوده می‌گردید. همیشه رابطه‌ای تنگاتنگ میان انسان و زمین و آب و آسمان و خورشید وجود داشته و این عناصر در اندیشه‌ها و باورهای قدیم به عناوین مختلف گرمی و حتی مقدس بوده‌اند و طبعاً هر یک ایزدی داشته‌اند و اسطوره‌ای و آیین‌های عبادتی.

مردم در زمان قدیم در تشریح شگفتی‌های آب بسیار کوشیده و اسطوره‌هایی فراوان برای آن پدید آوردند. نخستین داستان در مورد آب که روایت شده از تمدن سومری است (تمدنی شگفت انگیز در جنوب بین النهرین). این داستان‌ها در حدود ۴۵۰۰ سال پیش نوشته شده‌اند یعنی در اواسط هزاره سوم پیش از میلاد، در این داستان‌ها از جهانی سخن گفته شده که تنها از آب به وجود آمده بوده و کائنات مشتمل بر آسمان و زمین بعدها از آب سر به در آورده بوده‌اند. (خلقت آب پیش از خلقت بقیه عالم در اساطیر هند و اروپایی نیز جای مهمی داشته بدون آن که الزاماً از آسیای غربی تقلید شده باشد).

توجیه و توضیح مسئله: آب عنصری است که چه در حالت سکون و چه در حالت حرکت نوازش دهنده روح انسان است. در ایران باستان آب پیام‌آور روشنایی و پاکی به شمار می‌رفت و از ارزش زیادی برخوردار بود. به علت این‌که ایران کشوری کم آب بوده، این مایع حیاتی بین ایشان قدر و منزلتی والا داشته است. آب در نزد ایرانیان نه تنها برای رفع نیازها مورد استفاده، قرار می‌گرفته، بلکه از لحاظ معنوی و روحی نیز تأثیر بسیاری داشته است. آب یکی از عناصر اربعه (آب، باد، خاک، هوا) محسوب می‌شود که این عناصر از زمان‌های گذشته در اندیشه‌ها و باورهای مختلف مورد بحث و منازعه بوده‌اند. آب به عنوان یک آیه مقدس از آیات الهی و از دیدگاه دین مبین اسلام مورد نظر بوده است. ایرانیان آب را برای دست یافتن به آرامش و آسایش و تعمق و تفکر و تذکر به سوی خالق خویش به خدمت در آورده‌اند.

ضرورت: آن‌چه که به عنوان یک امر ضروری در طرح مسئله مورد توجه است جایگاه آب در فرهنگ ایرانی و دین اسلام و ارزش نهادن به آن است. هدف: هدف این تحقیق ارائه مفاهیم آب و جایگاه آن در فرهنگ ایرانیان و فرهنگ بومی مازندران و بررسی عقاید و دیدگاه‌های گوناگون و بالاخص دیدگاه اسلام در رابطه با آن می‌باشد

فرضیه: به نظر می‌رسد که آب از گذشته تا به امروز به غیر از جنبه مادی، از بعد معنوی نیز نمادی از زندگی بوده و دارای اهمیت می‌باشد. همچنین به نظر می‌رسد که نقش و تجلی آب در فرهنگ مازندران فراوان بوده است، یعنی هر چیز خوبی به آب نسبت داده می‌شد.

پرسش تحقیق: آیا عنصر آب در زندگی ایرانیان و دین اسلام دارای اهمیت بوده است؟

نقش و تجلی آب در فرهنگ مازندران چگونه بوده است؟

روش تحقیق: این تحقیق از نوع توصیفی، تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای می‌باشد.

## پیشینه تحقیق

از جمله کتاب‌هایی که در مورد آب به رشته تحریر در آمده کتابی است با عنوان آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی، نوشته امان الله قرشی، او در این کتاب، همان‌طور که از نامش پیداست به بررسی آب و کوه در این دو اساطیر پرداخته است. هم‌چنین در این کتاب در فصل مربوط به اساطیر و معتقدات کلیه‌ی جوامع بشری در مورد آب و کوه از همه‌ی اسطوره‌ها و همه‌ی ملل و اقوام سخن نرفته است.

در کتاب درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، نوشته دکتر ابوالقاسم دادور و الهام منصوری است. در این کتاب پژوهشی پیرامون سمبل‌ها و اساطیر ایران از زمان هخامنشیان تا پایان دوره ساسانیان و ارتباط آن با سمبل‌ها و اساطیر هند باستان صورت گرفته است.

در مقاله رویکردی اسطوره‌ای بر عناصر چهارگانه در فرهنگ ایرانی نوشته بهمن نامورمطلق که در اولین هم‌اندیشی هنر و عناصر طبیعت در فرهنگستان هنر به چاپ رسیده است، در فرهنگ ایرانی عناصر چهارگانه (آب، خاک، هوا، آتش) را از منظر اساطیری مورد بررسی قرار داده است.

همان‌طور که اشاره شده در کتاب‌ها و مقاله نام برده به آب از منظر اساطیری پرداخته است و در پژوهش حاضر علاوه بر این‌که از منظر اساطیری یعنی معنا و مفهوم آب را در اندیشه و حیات بشر از گذشتگان تا به امروز بررسی کرده است، این عنصر را از دیدگاه اسلام و دیدگاه ایرانیان مورد کنکاش قرار داده و مهم‌تر از همه پژوهشگران عنصر آب را که یکی از عناصر چهارگانه است و در فرهنگ مازنی‌ها جایگاه خاصی دارد و مورد احترام آن‌ها است، بررسی کرده‌اند و به نتایج قابل‌تاملی دست یافته‌اند.

## مبانی نظری

### آب در اندیشه و حیات بشر

قوم‌های مختلف اهمیت زیادی برای آب قائل بودند خصوصاً رودخانه‌ها، آن‌ها آب ساکن و آب روان را یک پدیده می‌شمردند. در فرهنگ فنیقی کجبل، خدای خدایان و بلات الهی بود که معشوق جوانی داشت موسوم به ارونی. ارونی در زبان فنیقی که شاخه‌ای از زبان‌های سامی باستان بوده، به معنی "مولای من" بود و ایزد رستنی‌ها هم تصور می‌شد، که رود ارونی به نام او خوانده شده بود. این رود اکنون به "نهر ابراهیم" موسوم است. اطلاق نام ارونی به یک رودخانه از آن جهت بود که بنابر اساطیر فنیقی ارونی جوان، در همان جوانی مرده و این رودخانه در سال‌روز مرگ او سرخ رنگ می‌شده است و تاجایی که به ما مربوط است نامیدن رودی به یادبود ایزدی و سپس پیامبری (ابراهیم) نشانه تقدس رود در جامعه فنیقی - آسیای غربی است.

در کتیبه‌ی داریوش نزدیک سوئز کنونی، رود نیل به نام پراوه (parava) نامیده شده. این نام از زبان قبطی ناشی شده که تا پیش از اسلام زبان رسمی و عمومی مردم مصر بود. در این زبان پیرو (piro) به معنی رود بزرگ بود. در منابع پهلوی ساسانی این رود موسوم است به نیو و در دوران اسلامی موسوم به نیل. اطلاق نام قدیمی - قبطی پیرو به نیل مفهومی احترام آمیز داشته است، مترادف با می سی سی پی به معنی رود بزرگ در زبان سرخپوستان محلی و نیز مترادف با دیوگرانده در امریکای لاتین.

و اما نیل، در مصر بزرگ‌ترین و بلندترین رود افریقا و یکی از مشهورترین رودهای عالم است که در کنار خود از قدیم تمدنی معروف را پرورانده و همیشه از عزت و احترام فراوانی برخوردار بوده است. یکی از مشهورترین روایات در مورد این رود گرفته شدن نوزادی رها شده بر آن و ملقب شدن او به موسی و سپس ریاستش بر قوم بنی اسرائیل است و یکی از معجزات آن پیامبر دونیم شدن رود و راه بازگردنش برای عبور موسی و قوم او به سوی ارض موعود است. و نیل پیش از موسی و از دوران‌های بسیار دور مقدس بوده است. در دوران اسلامی قبطیان مصر این تقدس را بهتر حفظ کردند.

در ایام باستانی مصر آن شیبی را که متعلق به رود مقدس نیل می‌دانستند، جشنی برپا می‌ساختند و به عبادت و ائین خاصی می‌پرداختند در تجلیل از ایزیس خدا و حامی رود نیل، و امروزه در دهکده‌های قبطی نشین ساحل رود نیل همان سنت تا حدی رعایت می‌شود (قریشی، ۱۳۸۸، ۵۹).

در افریقای سیاه گنجینه‌ای از اساطیر و باورهای کهن وجود دارد که برخی از آن‌ها خاص قبیله یا قبایلی ویژه‌اند. در یکی از اسطوره‌های آفرینش رایج در نیجریه آمده است:

در آغاز همه چیز آب بود. یک روز خدای خدایان (اودوماره)، اوتاپالاواری شافلا را برای خلق زمین از آسمان فرستاد. اوتاپالا به وسیله‌ی زنجیری از آسمان به زیر آمده با مقداری خاک و یک قطعه آهن و یک تکه زغال. وقتی که به زمین رسید آهن را روی آب گذاشت و خاک را روی آهن گذاشت و زغال را روی آن‌ها قرار داد، بلافاصله زغال گداخته شد و آهن را داغ کرد و خاک از هر سو گسترش یافت.

در اساطیر افریقایی بعضی عناصر از ضد بوجود آمده‌اند، مانند سنگ از شیر خوراکی و آب از آتش و بالعکس. این عناصر در این اسطوره‌ها مکمل یکدیگرند نه متضاد و اضداد با هماهنگی و همزیستی و یگانگی در خلقت انسان دخیل بوده‌اند (همان، ۶۲).

## یافته‌ها

### آب در معماری ایرانی

با توجه به شرایط خاص اقلیمی ایران و کمبود منابع آب در بخش عمده‌ای از این سرزمین موضوع کشف و تامین آب، جلوگیری از هدر رفتن آن و استفاده حساب شده از این پدیده زندگی بخش و آبادکننده از دورترین زمانها مورد توجه بوده است. در تمامی زمینه‌ها و نمودهای زندگی مردم این سرزمین به روشنی می‌توان نشانی ارجمندی این مانده آسمانی را مشاهده نمود و پیوند ژرف آنرا با تمامی مظاهر فرهنگ، هنر و تمدن مردم این مرز و بوم لمس کرد. معماران و مهندسان ایرانی به پیروی از این فرهنگ عمومی از دیرباز دست به تجربه‌های چشمگیر و فراموش ناشدنی در زمینه کیفیت حضور آب در معماری، بهینه‌سازی مصرف آب و... زده اند به گونه‌ای که آب از عناصر جدانشدنی طراحی معماری ایرانی به شمار آمده است. به این ترتیب آب چنان در ساخت و ترکیب بناهای ایرانی وارد شده که عملاً نمی‌توان آن را از شکل ساخته شده جدا دانست.

آب در جایگاه تزئینی و نمایش خود در مرکز کوشک و باغ‌ها در میان حیاط مساجد، مدارس و خانه‌ها ظاهر شده و از جایگاه کاربردی- عملکردی سبب شکل‌گیری معماری آب انبارها، یخچال‌ها و... در معماری ایران گشت (صالحی، ۱۳۹۶، ۵).

در بررسی‌های متعددی که در گوشه و کنار سرزمین ایران خلق شده، موضوع جالب توجه آن است که علی‌رغم تنوع اقلیمی، مکانهای نامبرده را بدون عنصر آب نمی‌بینیم. در اقلیم‌های پرآب شمال، آب در باغ بیشترین کمیت را نسبت به سایر عناصر دارد و در اقلیم‌های خشک و بیابانی، این کمبود کمیت با بازی‌های متنوع و متعدد طرح و شکل و صدا جبران شده است. جوی، حوض، استخر، فواره و آبنا از انواع اشکال استفاده از آب است و جریان، رکود و پاشش از جمله حالت‌های نمایش این عنصر در باغ ایرانی است. جزئیاتی چون جاری کردن آب بر سطوح غیر مسطح مانند تراش‌های سینه کبکی با هدف تولید صدای جریان آب در شرایطی که آب از نظر کمیت، ضعیف است، شیوه‌ای برای القاء تصور آب خروشان به مخاطب به شمار می‌رود. همچنین استفاده از پدیده انعکاس آب راکد در حوض و استخرهایی که در مقابل کوشک قرار گرفته‌اند، به تولید منظر برای بیننده کمک می‌کند (میر فندرسکی، ۱۳۸۴، ۱۰).

به طور کلی در شکل‌گیری معماری ایران، چگونگی تماس با آب و بهره‌گیری از معانی معنوی آن به صورت سنتی معنوی، که دیدگاه روحانی و معنوی نیز بر آن مترتب بوده مطرح بوده است (طوفان، ۱۳۸۵، ۷۵).



تصویر ۱- کوشک و جای شمع در اطراف آبراهها (ماخذ: نگارندگان، باغ چهلستون در اشرف البلاد)



تصویر ۲- سینه کبکی ها و حوض مرکزی با فواره (ماخذ: نگارندگان، باغ چهلستون در اشرف البلاد)

### بررسی نقش معنایی آب

مناسب‌ترین سرزمین‌ها برای بشر اولیه، کناره رودهای مهمی مانند نیل، دجله و فرات، کارون، سند و گنگ، جیحون و سیحون، هیرمند و یانگ تسه کیانگ بودند که تمدن‌های مهمی از آن دوران را پروردند. این دوره‌ها به تعبیری مادران فرهنگ بشری به حساب می‌آیند. حتی در سرزمین‌هایی مانند یونان و ماد و پارس که رود مهمی وجود نداشتند، آب با حیات و فرهنگشان گره خورده بود (قریشی، ۱۳۸۰، ۴۵).

آب عنصر نخستین است که همه چیز از آن آفریده شده و بنابراین یک نماد باستانی برای زهدان و باروری به شمار می‌رود. در بسیاری از اساطیر آفرینش در هندوستان و خاورمیانه و مصر، اسطوره‌هایی وجود دارند که وجود یک اقیانوس کیهان را پیش از پیدایی جهان مطرح می‌کنند.

نشانه همه مخلوقات است. نماد مادر کبیر، به صورت باران یعنی نیروی لقاح ایزد آسمانی و مفهوم باروری را می‌رساند. در باورهای ایران باستان، زمین از آب پدید آمده بود و در بین النهرین، اقیانوس نخستین، زاینده آسمان و زمین بوده. در اسطوره‌های کنعان بیشتر خدایانی که با آفرینش پیوستگی دارند، یادآور آب هستند.

در زبان سومری، حرف «a» به معنای آب بود. اما عامل زاد و ولد هم معنی می‌داد. در رمز پردازی جنسی آفرینش کیهان، آسمان زمین را در آغوش می‌گیرد و با باران باردار می‌کند.

هم‌چنین به عنوان منبع حاصل‌خیزی است و رمز کل چیزهایی است که بالقوه وجود دارند و مثل مار نشانه تجدید حیات و دگردیسی هم به شمار می‌رود. آب نماد عقل و خرد هم هست. در ریگ ودا نخستین موجودی که پس از ترکیب محرک نخستین و ماده آغازین یعنی آب، پدید آمد عقل کل بود. در اساطیر آفرینش بین النهرین مهم‌ترین ویژگی «انکی» خدای آب شیرین، هوش و عقل زیاد بود. در پی همین مفاهیم بود که آب، بانوان نمایندگان خرد شدند و آن‌ها یکی از آن‌ها بود.

در اوپانیساده‌ها، نطفه و آب، پدید آورنده نور و بقا هستند. در واقع آب، مایع شده نور است. ما غالباً از نور معرفت مثال می‌زنیم. در این صورت است که آب ویژگی حکمت نور را به ارث می‌برد. برای همین کسانی که به نور معرفت یا حکمت دست یافته‌اند به نحوی تصور می‌شوند که از روی آب رد می‌شوند. عنصر آب دو فرشته ی نگهبان دارد: یکی «پم نیات» و دیگری «آناهیتا» یا «ناهید» که فرشته مخصوص آب از آن یاد می‌شود و در «آبان یشت» از جلال و عظمت او سخن رفته است، اسم کامل این فرشته «اردویسورناهید» بوده و چون مؤنث است گاهی کلمه‌ی بانو را هم به اول آن اضافه می‌کنند و در متون اوستایی، گاهی آب فرشته‌ی این عنصر معرفی شده است (دادور، منصوری، ۱۳۹۰، ۱۱۶).

آب سمبل تطهیر است. در بیشتر ادیان طهارت با آب انجام می‌شود. از آن جا که طهارت بازگشت به پاکی است، آب نماد نوزایی هم به شمار می‌رود (همان، ۱۵).

با توجه به فرهنگ غنی و ریشه‌دار ایران و تأثیر دین اسلام در روند زندگی ایرانیان - بعد از گرویدن به دین شریعت - در بخش بررسی نقش معنایی آب، جایگاه آن از ۲ دیدگاه زیر مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

- ۱- جایگاه آب از دیدگاه ایرانیان
- ۲- جایگاه آب از دیدگاه اسلام

## جایگاه آب از دیدگاه ایرانیان

اهمیت نمادین آب در فرهنگ مردم خاورمیانه، به عهد قبل از دوره اسلامی برمی‌گردد. وضعیت اقلیمی ایران، کم‌آبی، مشکل آبیاری و زراعت، باعث شده آب و امور مربوط به آن با اهمیت جلوه نماید. وجود واژه‌هایی چون، آبادانی، شاداب، مرداب و ... در فرهنگ امروز، از اهمیت آب در زندگی مادی و معنوی ایرانیان است.

نگرش ایرانیان از دیرباز نسبت به آب موجودیت مقدس بوده است و در فرهنگ ایرانی از جمله ۴ عنصر اصلی تشکیل دهنده این جهان است، که از عناصر ایزدی و مقدس به شمار می‌رفته است (شاملو، ۱۳۸۷، ۱۵).

هر چهار عنصر و بعضاً یک یا دو مورد از این عناصر جزء اولین موارد یا «ماتریا پریما» ذکر کرده‌اند. ریشه این کلمه در اوستایی (آپ ap)، در سانسکریت (آپا apa)، در پارسی باستان (آپی api)، و بالاخره در پهلوی (آپ ap) می‌باشد (قهرمانی، ۱۳۸۸، ۳۶).

آب از ایام قدیم در ایران، همانند جهان بینی کهن سومری، معتقد به نقش آفرینندگی آب در نظام جهان بوده‌اند. از این رو، بارها در اوستا به اهمیت تقدس آن اشاره شده است. در «آبان یشت» و «تیریشیت» درباره ی آب سخن رفته و «آناهیتا» به معنی (پاک و بی آلایش) یا ناهید، همچون ایزدانوی بزرگ آب و باروری، ستایش شده است (دادور، منصور، ۱۳۹۰، ۱۱۵).

آناهیتا الهه آب در اعتقادات ایرانیان همواره حضور داشته است و آب حیات بخش که در مظهر خود به چهار قسمت تقسیم می‌شود بهشتی در دل بیابانی می‌آفریند (نیلوفری، ۱۳۶۳، ۳۴).

آب جایگاهی والا در باور ایرانیان باستان داشته و به عنوان مکانی اهورایی، مأمن مطمئنی برای نطفه‌های زرتشت به حساب می‌آمده است که هیچ گاه دست اهریمن به آن نمی‌رسیده است (قریشی، ۱۳۸۰، ۱۵). آب به قدری در میان ایرانیان مورد احترام واقع شده که مورخان یونانی ستایش عنصر آب را به ایرانیان نسبت داده‌اند، در تاریخ هردوت آمده است که ایرانیان طی مراسمی برای آب فدییه و قربانی می‌دادند (هردگ، ۱۳۷۶، ۲۳).

ما اولین شواهد مراسم نیایش آب و سیستم تصفیه آب را در ایران باستان در شهر مقدس دور - اونتاش در دست داریم. ایلامی‌ها مراسم جشن‌های بهاری خود را در کنار رود ایدیده (دز) برپا می‌کردند. در این مراسم شمایل خدایان و الهه متعدد، با حضور شاه و اسکورتی از روحانیون و مردم همراه با ذکرهای خاص به ساحل مقدس (ساحل رود ایدیده) حمل شده و از آنجا به وسیله قایق از طریق رودخانه به بیت اکتیو (خانه جشن‌ها، معبدی در کنار رودخانه خارج از حصار شهر) رفته تا مراسم مذهبی خود را در فضایی مملو از آزادی و در تماس مستقیم با طبیعت و آب بر پا دارند. گویی طراوت آب و طبیعت نیروی تازه در آن می‌دمید. بر روی یکی از کتیبه‌های چغازنبیل از یک (b/palac نهر آب) صحبت شده که آب را به شهر می‌آورده است. این شهر به دستور اونتاش گال (پادشاه ایلامی) ساخته شده و وقف خدایان گال و اینوشوشیناک بوده است. یوسف اوف در مدارک شوش از وجود ekel atap ili (میدان یا کشتزار نهر خدا) خبر می‌دهد. این امر نشان می‌دهد که بعضی از نهرها مقدس بوده و به معابد تعلق داشته است (گریشمن، ۱۳۷۵، ۱۲۳۲).

در فرهنگ‌های اساطیری ایران هم مایه‌ی جاودانگی یا روئین تن تنی آدم می‌شود (مقدم، ۱۳۵۷، ۹۵). باید دانست که، آب تنها در ایران باستان جنبه ی اساطیری نداشته، بلکه در بسیاری از فرهنگ‌های باستانی نیز دارای اهمیت و اعتبار بوده است. در لوحه ای از الواح بابلی آمده که: کیهان نخست توده ای ضخیم از آب بوده و در آن به مرور زمان، خدایان، یکی پس از دیگری، به وجود آمدند و به تدریج کارهای مطابق عقل و حکمت کردند تا عاقبت یکی از آن میان، که از همه نیرومندتر بر آن شد زمین را بیافریند. پس به امر او طوفانی پرنقلاب ظاهر شد و زمین خشک از دریای آب جدا شد. آنگاه کارها به سامان شدند و حتی برای آب-های آسمانی و زمینی مقرر شد و حدود رودها معلوم شد (دادور، منصور، ۱۳۹۰، ۱۱۸). در فرهنگ نمادهای مقدس سنتی، از آب به عنوان منشأ همه مخلوقات یاد شده است (طوفان، ۱۳۸۵، ۷۷).

تبتعات در متون ایران باستان حاکی از آن است که آب نماد و سمبل آگاهی و دانش است (نقی زاده، ۱۳۸۴، ۱۴۵).

احترام زیاد از حد و یا حتی پرستش آب روان آنگیز که در ادوار پیش از تاریخ معمول بوده، در دوران‌های بعد منسوخ نگردید. در زمان ساسانیان، فرمان روایان محل خاصی را بر می‌گزیدند تا اعتقادات مذهبی و شرح پیروزی‌های خود را به روی سنگ‌های عظیم نقش کنند. در هر یک از این محل‌های آنگیزی که از چشمه سرازیر می‌شد، در پای بدنه سنگ ایجاد می‌کردند (نیوتن ویلبر، ۱۳۴۸، ۵۸).

آب در آئین زرتشت مقدس است، پس از اسلام نیز حرمت خود را حفظ می‌کند. به خصوص با رواج تشییع و عمومیت یافتن امر عزاداری و روضه خوانی، تکرار مداوم وقایع تاریخی صحرای کربلا و تکیه‌ی خاصی که در آن وقایع به موضوع ممانعت رسیدن آب به خاندان امامت، آب حداقل برای خوردن به صورت رایگان بوده است (شاملو، ۱۳۵۷، ۱۵).

یا به گونه‌های متفاوت در کوچه و بازار شهر عامل یادآوری مسایل مهم شده است. در فرهنگ عامیانه ی ایرانی آب و نمک مهر حضرت فاطمه (س) است و نباید آن را از کسی دریغ کرد و حتی نباید از دشمن خود نیز دریغ داشت زیرا عملی بوده که شمر با اهل بیت کرده است. در صحرای کربلا نیز شهادت حضرت ابوالفضل (ع) به واسطه‌ی رساندن آب به تشنگان بوده است. (هدایت، ۱۳۵۶، ۶۶). از سوی دیگر هر عملی که معنای آن بی احترامی و خوار و خفیف کردن آب باشد طبیعتاً زشت و کفرآمیز است. یکی از اعمالی که می‌تواند چنین معنایی را داشته باشد، ریخت و پاش کردن و دور ریختن آب است. آلوده کردن آب با اشیای پلید و همراه کردن آب با اشیای نامقدس نیز همین معنا را خواهد داشت (لمبتون، ۱۳۴۵، ۲۸۰).

همان‌طور که گفته شد آب و نمک مهریه‌ی حضرت فاطمه (س) است و به همین دلیل باید از آلوده کردن آن پرهیز کرد ... فرشته‌ها و ملائکه‌ی ما آب‌های دنیا را غربال می‌کنند و اگر در آن آشغال و زباله‌ای ببینند به کسی که آن‌ها را در آب ریخته نفرین می‌فرستند (شاملو، ۱۳۵۷، ۱۵).

ایرانیان معتقدند روزهای جمعه هر آبی که روی زمین جاری است به بهشت می‌رود و به همین سبب جمعه‌ها شستن رخت و ریختن کثافات در آب جاری



معصیت دارد. «اگر روز جمعه از رخت شستن ناگزیر باشند، باید یک تکه از رخت سیدی را هم قاطی رخت لباس خود کنند.» (همان، ۱۸). در فرهنگ ایرانیان، اگر شخصی به کسی آب دهد یا هرگونه نیاز و نذری داشته باشد، برای سپاس از او، اجر و ثواب عملش را از امام حسین و حضرت عباس می‌خواهند.

سقایی و آب رسانی، اگر به‌ویژه جنبه خیرخواهانه داشته باشد، بسیار مورد عنایت و توجه ایرانیان است و به همین دلیل عقاید و آداب فراوانی بین مردم رایج می‌باشد. یکی از مهم‌ترین نذرها و خیرات مردم، سقایی است خصوصاً در ایام عاشورا، که مردم بنا به نذری که دارند اقدام به آب دادن به عزاداران حسینی می‌نمایند. و همچنین عقیده دارند که اصولاً آب دادن یک وظیفه‌ی دینی به شمار می‌رود به همین سبب اگر کسی غروب آفتاب آب بخورد باید اندکی از آن را پشت سر خود بریزد و بگوید مرده‌ها تشنه‌اند (ماسه، ۱۳۵۵، ۴).

باور دیگر مردم ایران این است که اگر کسی به آن‌ها ناخواسته آب داد، آن را به فال نیک می‌گیرند، چراکه معتقدند آب نطلبیده مراد است. در این زمینه احمد شاملو در «کتاب کوچه» می‌نویسد: حتی اگر تشنه هم نباشند آب می‌نوشند و بر یزید لعنت می‌فرستند و از صدق دل می‌گویند: خدا مراد همه‌ی مسلمانان را برآورده سازد.

مردم ما معتقد به فراگیر و جهان شمول بودن قداست و اهمیت آب در واقعه‌ی کربلا می‌باشند و حتی معتقدند که تمام آب‌های جهان، شوری و شیرینی خود را به خاطر حب و علاقه به سیدالشهدا دارند چراکه دوستی حسین(ع) را بر همه‌ی آب‌های عالم عرضه کردند، هر آب که قبول کرد شیرین شد و هر آب که قبول نکرد تلخ و شور شد. و حتی دریاها به صدای شیون و ندبه مادر سیدالشهدا، خروشان و موج می‌شوند چنانکه اگر فرشتگان و ملائکه از طغیان آن جلوگیری نمایند، عالم غرق خواهد شد. این نوع بینش دلیل اهمیت آب در افکار و اذهان مردم ماست (شاملو، ۱۳۸۷، ۷۲۰).

ایرانیان اعتقادات خاصی به آب دارند و مازنی‌ها هم از این قاعده مستثنی نیستند. آب در فرهنگ و باور آن‌ها، نماد و نشانه‌ی روشنی است؛ از این‌رو، چنانچه ظرف آبی در خانه و بر روی فرش یا سفره از دست کسی بیفتد یا با بی‌احتیاطی کسی واژگون شود و بریزد، نه تنها آن را بد و عامل ایجاد زحمت نمی‌دانند، بلکه آن را به فال نیک می‌گیرند و مایه‌ی روشنایی می‌دانند؛ یعنی ریختن آب، نوید رویدادهای خوب در زندگی است. مازنی‌ها به هنگام بدرقه‌ی مسافر کاسه‌ی آبی را پشت سر او می‌ریزند و معتقدند با این کار، مسافر آن‌ها صحیح و سالم خواهد بود، سفرش به خیر می‌انجامد، به او خوش می‌گذرد و زود به خانه و کاشانه‌ی خود باز می‌گردد.

اگر قورباغه‌ای بر درختی آواز بخواند اعتقادشان بر این است که حتماً باران می‌بارد و این را نیمای بزرگ در شعر داروگ بسیار زیبا بیان کرده است و او داروگ را مخاطب قرار می‌دهد و می‌پرسد: ...داروگ کی می‌رسد باران؟

واگر قورباغه را بکشند نیز باران می‌بارد، این باور بر اساس افسانه‌های قدیمی که خود نیز باوری دیگر است پدید آمده است که وقتی حضرت ابراهیم(ع) را در آتش می‌انداختند قورباغه‌ها با دهان بر آتش آب می‌ریختند و شاید همین باورها باعث شده که قورباغه‌ی سبز درختی را مقدس و پاک بدانند و حتی اگر داخل منزلشان شود بیرونش نمی‌کنند.

از آن‌جا که اساس معیشت و کشاورزی بر پایه آب است، بنابراین کم یا زیاد بودن باران و آب مشکلاتی را ایجاد می‌کند. اگر باران کم بیارد و کشاورزان مازندرانی دچار کمبود آب بشوند مراسم خاصی را به جای می‌آورند تا خداوند دعای آن‌ها را مستجاب کرده و باران بفرستد. مراسمی که برای تمنای باران دارند به این شرح است: اهالی روستا همگی به امامزاده مسجد یا میدان بزرگ روستا یا خارج از روستا می‌روند، دعا می‌کنند و سیدی گوشه‌ای از جلد قرآن را خیس می‌کند یا منبر را به این نیت که باران بیاید، با گلاب می‌شوید. علاوه بر این مرسوم است که همه مردم شیر و برنج جمع می‌کنند و با آن شیر برنج درست کرده می‌خورند و مقداری از آن را با این باور که باران بیارد روی پشت بام می‌ریزند.

و بالعکس اگر در هنگام برداشت محصول باران بیارد، چراکه هنگام رسیدن محصولات است و نیازی به باران نیست، در این صورت برای قطع شدن باران نام چهل کچل را بر روی کاغذ می‌نویسند و بر درختی آویزان می‌کنند تا باران قطع شود.

مازندرانی‌ها معتقدند که هنگام ریختن آب داغ روی زمین باید بسم الله گفت تا اجنه‌ها نسوزند، چون بر این باورند که اجنه‌ها در جاهای خیس زندگی می‌کنند و باید بسم الله گفت تا از آن مکان بروند و روی گربه‌ها آب نمی‌ریزند و معتقدند که با این کار دستشان زگیل خواهد زد این باورهای عامیانه آن قدر زیبا و دلنشین‌اند که تکرار شنیدنش محسوس نیست و اگر بارها و بارها داستان‌های به دست آمده از این باورها شنیده شوند موجبات رنجش و آزار روح را فراهم نخواهند ساخت. اهالی خوش ذوق کناره‌ی دریای خزر آبی اندیشیدند و سبز گفتند و سفید دیدند و یادگاران به یاد ماندنی در ادبیات فولکلور ایران زمین از خویش بر جای گذاشته‌اند.

## جایگاه آب از دیدگاه اسلام

پس از گسترش و ترویج اسلام در ایران، فرهنگ ایرانیان نیز بسیار از تعالیم اسلامی متأثر گردید. با ظهور اسلام و گسترش آن، ایرانیان مسلمان نیز ضمن حفظ آن دسته از رسوم و باورهای خویش در مورد آب که تضادی با تعالیم اسلام نداشت، با توجه به تعالیم اسلامی فرهنگ خویش را غنا بخشید (نقی زاده، ۱۳۸۵، ۶۳).

آب به عنوان مایه‌ی حیات هر موجودی است، نمادی از بهشت و نعمات بهشتی است؛ نماد پاکی و مبارکی است. عامل حیات و زنده شدن شهر و زمین است. عامل تذکر به یکی از اساسی‌ترین منابع شناخت و اثبات وحدانیت الهی است. در توصیف بهشت به آب همراه پگاه اشاره شده است. به اهمیت نزول آب از آسمان و نهایتاً به عنوان عنصر رفع کننده عطش در زمین آمده است (نقی زاده، ۱۳۸۷، ۸۴).

آب در اسلام مقام مهمی دارد. بعضی فقها معتقد بوده و هستند که آب مالکیت عام دارد و خرید و فروش خصوصی آن جایز نیست. در کتاب شرح لمعه

تالیف شهید ثانی آمده است، که مردم در سه چیز شریک‌اند: آب، آتش و علف بیابان. در دوران پیش از اسلام نیز در سنت زردشتیان، آب ملک مطلق ناهید بود و ارزانی کشاورزان و دامداران و شهرنشینان. چنین رابطه آئینی و سنتی را می‌توان در میان اقوام نیز مشاهده کرد.

در لرستان که طبیعت و عناصر آن به نحو چشمگیری محترم‌اند، چشمه‌ها محترم‌ترند. برخی از چشمه‌ها به پریان نسبت داده می‌شوند، مانند چشمه تنگ هفت در روستای لون، چشمه جان در روستای سیسیل کیا و چشمه تیر بازار در روستایی به همین نام و سراب نیزه که چشمه‌ای است با جای نیزه حضرت امیر(ع) و سراب گل رود که می‌گویند بر اثر برخورد پای دل‌دل به کوه به وجود آمده است و ....

از دوران صفویه به بعد که تشیع در ایران گسترش یافت و فجایع اشقیا در روز عاشورا در بستن آب فرات مردم را سخت تکان داده، تقدس چند هزار ساله آب در ایران وارد مسیری تازه‌تری گردید. ثروتمندان پیش از پیش به ساختن آب انبارهای عمومی در شهرهای کم آب و حفر قنوات پرداختند و مردم کم‌مایه در گذرگاه‌ها به ساختن سقاخانه‌هایی دست یازیدند که مردم علاوه بر نوشیدن آب، در آن‌ها به نذر و نیاز و برافروختن شمع می‌پرداختند و می‌پردازند (قریشی، ۱۳۸۰، ۲۳۱).

در تعالیم اسلامی رابطه انسان و طبیعت مورد تأکید قرار گرفته است. رابطه انسان و طبیعت، نشانه‌ای از تعادل بین اجزای عالم وجود و قوانین حاکم طبیعت است. از دیدگاه این تعالیم، قرابتی خاص بین انسان و طبیعت وجود دارد؛ چرا که «ماده اولیه خلقت انسان از طبیعت گرفته شده است» (سوره حجر، آیه ۲۶).

در دین اسلام آب از جایگاه عظیمی برخوردار می‌باشد. آب زندگی بخش و شفا دهنده انسان‌ها بوده به طوری که در قرآن از آن به «رحمت» و «حیات بخش» یاد شده است. در آیات فراوانی از قرآن مجید تعاریف متعددی از آب (ماء) وجود دارد: «وجعلنا من الماء کلّ شیء حیّ (ما همه چیز را از آب حیات بخشیدیم) (سوره انبیا، آیه ۳۰)، و کان عرشه علی الماء (عرش خدا بر آب قرار دارد) (سوره هود، آیه ۷)، «تعبیر قرار داشتن عرش خدا روی آب کنایه از پاکی و زلالی اساس آفرینش است و در ترجمه استاد الهی قمشه‌ای، عرش، روح و حقیقت انسان معرفی شده است (طوفان، ۱۳۸۵، ۷۳).

برای مسلمانان عمل وضو گرفتن، یک تجربه‌ی حقیقتاً معنوی است؛ زیرا که ورود آب به معنای ورود مجدد به ماده آغازین است. آب نه تنها قدرت تطهیر ظاهری و بیرونی را دارد، بلکه نماد مناسبی برای پاکیزه ساختن قلوب آدمیان نیز می‌باشد. بنابراین خاصیت حیات بخش آب، به طور کلی به مفهوم «آب حیات» می‌انجامد (شیمل، ۱۳۸۲، ۶۱).

در تعالیم اسلامی، آب نماد پاکی و مبارکی، نماد بهشت و عامل تذکر معرفی شده است (نقی زاده، ۱۳۸۴، ۱۴۸). در قرآن، بهشت به صورت باغی که در زیر آن جویبارهایی از آب در جریان است، توصیف شده و تأکید بر مرکزیت آب در حیات موجودات دارد (نابیی، ۱۳۸۱، ۹۳). «کلمه کوثر در آیه «انا اعطیناک الکوثر» (سوره کوثر، آیه ۱) را برخی مفسرین به معنای نهری در بهشت، حوض خاص رسول خدا (ص) در بهشت یا صحرای محشر گرفته‌اند.» (بیستونی، ۱۳۸۶، ۵۱).

با ورود اسلام و با وجود شالوده شکنی اعتقادی به دلیل محترم و آیه شمردن طبیعت و عناصر منظر طبیعی تقدس آب دو چندان شده است. الگوی دقیقی از آب‌های بهشتی در قرآن کریم، به تدریج به سمبل و نمادی از آن‌چه که وصف آن گذشته است می‌گردد (مجتهدی، ۱۳۸۵، ۷۵).

در بعضی از آیه‌های قرآن از آب به صورت جویبار یاد شده و آب جاری نشانه حیات و زندگی ابدی می‌باشد. «هر که از خداوند و پیامبرش اطاعت کند او را به بهشت‌هایی داخل خواهند کرد که در آن نهرها روان است. و یا «خدا کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته می‌کنند به بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است داخل خواهد کرد.»

در آیاتی دیگر آب هدیه خداوند و یادگاری است که هستی در آن زاده می‌شود. «آنان که کفر ورزیدند آیا ندیدند که آسمان و زمین بسته بود و ما شکافتیم و به آب هر چیز را زنده کردیم پس چگونه ایمان نمی‌آورند.»

علاوه بر آیات قرآنی، روایات متعددی از معصومین، به جنبه‌های مختلف آب اشاره می‌کنند؛ در جایی پیامبر (ص) فرموده‌اند: «سه چیز چشم را قوت می‌دهد. دیدن سبزه، آب جاری و روی خوب» (نقی زاده، ۱۳۸۴، ۱۵۱).

امام صادق (ع) و امام موسی کاظم (ع) نیز نگرستن به آب را توصیه کرده‌اند. آب در مکان‌های مقدس مانند مساجد نقش مهمی را ایفا می‌کند، در مساجد علاوه بر نقش تطهیر خود جنبه نمادین نیز دارد، هم سمبل زندگی و هم سمبل مرگ است. و چون پلی بین دنیای زمینی و عالم متافیزیکی عمل می‌کند. طبیعت آن پاک و مقدس است. روح و جسم انسان را می‌شوید و تطهیر می‌کند و او را به صورت ۴ آفریده نو و آزاد باقی می‌گذارد تا در آرامش به کمال برسد. وضو و غسل نه تنها جسم را از آلودگی‌ها پاک می‌کند، بلکه سمبل پاک کردن روح از پلیدی و گناهان نیز می‌باشد. تطهیر با آب تمثیلی از زایش مداوم آفرینش است و احساسی از حیات تازه را به همراه دارد. تماس با آب در تمام حواس جاری می‌شود، توجع آن در ذهن انسان جاری شده و آرامش لازم را برای نماز گزاران ایجاد می‌کند (پیرنیا، ۱۳۸۴، ۳۸).

آب یکی از مقدس‌ترین نمادهای روشنایی بر روی زمین است، نماد فکر و اندیشه است و عنصر هستی بخش، نشانه پایداری زندگی می‌باشد، زندگی شاد، جاودانه و فرح بخش، نماد برکت، باروری و رحمت است. نشانی از سبزی و رویش است. گویاترین تبلور وجود آب و نشانه‌ی بیرونی آن سبزی است.

### اشارات مستقیم آیات قرآنی به عنصر آب

قرآن کریم برخلاف سایر روش‌ها و اندیشه‌های کلامی و فقهی و فلسفی، توجه و عنایت فوق‌العاده‌ای به عناصر طبیعت دارد، به طوری که در میان ادیان الهی هیچ کدام به اندازه دین مبین اسلام به ویژه قرآن کریم، به موضوع آب نپرداخته‌اند. همانطور که بیان شد در قرآن کریم آیه‌های فراوانی وجود دارد که به این عنصر اشاره کرده است و نگارندگان در این پژوهش به چند نمونه اکتفا کرده و در جدول زیر به آنها اشاره می‌کنند.

جدول ۱- اشاره آیات قرآنی به عنصر آب (ماخذ: نگارندگان)

|  |   |                                   |
|--|---|-----------------------------------|
| <p>خداوند متعال حیات و زندگی آدمیان را به آبی تشبیه نموده است که از آسمان فرو می آید و موجب رشد و نمو نباتات می شود و پس از دتران کوتاه حیات نباتی آن پایان می یابد.</p>   | <p>وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْلَقْنَا بِهِ نَبَاتَ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا.</p>  | <p>آیه ۴۵ سوره کهف</p>            |
| <p>خداوند در این آیه می فرماید: آیا کسانی که ربوبیت خدا را منکر شده اند ندانسته اند که آسمان ها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از هم گشودیم، و هر چیز زنده ای را از آب آفریدیم؟ با این وصف آیا باور نمی کنند که تدبیر امور آسمان ها و زمین همچون آفرینش آنها کار ماست؟</p> | <p>أَمْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَ فَلَا يُؤْمِنُونَ.</p>   | <p>آیه ۳۰ سوره انبیاء</p>         |
| <p>اوست آن که بادها را پیشاپیش باران فرستاده است تا نویدبخش فرود آمدن رحمتش باشد، و از آسمان، آبی پاک و پاک کننده فرو فرستادیم. تا به وسیله آن با رویش گیاهان سرزمینی مرده را زنده کنیم و نیز آن را برای نوشیدن در اختیار دام ها و مردمان بسیاری که آفریده ایم، قرار دهیم.</p>     | <p>وَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَ نُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَ أَنَاسِيًّا كَثِيرًا.</p> | <p>آیه های ۴۸ و ۴۹ سوره فرقان</p> |
| <p>اوست آن که از آب بشری آفرید و او را خویشاوند نسبی و سببی قرار داد. و پروردگارت تواناست.</p>   | <p>وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشْرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا.</p>  | <p>آیه ۵۴ سوره فرقان</p>          |
| <p>ما هم دعایش را اجابت کردیم، پس درهای آسمان را با آبی ریزان گشودیم و بارانی شدید و بی دربی فرو ریختیم. زمین را به صورت چشمه های آب شکافتیم؛ پس آب های فرود آمده از آسمان با آب های جوشیده از زمین به همان اندازه که برای طوفان مقدر شده بود به هم پیوست.</p>                     | <p>فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَ فَجَرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدَرٍ.</p>   | <p>آیه ۱۱ و ۱۲ سوره قمر</p>       |

### تحلیل یافته‌ها:

هر قطره از آب این سیاره نقشی در چرخه آب ایفا می کند. این چرخه نشانگر این نکته است که تمامی آب ها به یک زنجیره ممتد و یکپارچه به هم مرتبط هستند. از این رو آب هرگز به شکل یک اتفاق گسسته باقی نمی ماند و هرگز متعلق به یک زمان یا یک مکان نیست. حتی کوچک ترین قطره آب در میراث خود با بزرگترین اقیانوس ها شریک است. اگر می توانستیم حرکت آب را دنبال کنیم شاید درمی یافتیم آبی که در دریاچه آتشکده آذرگشنسب می جوشد دوباره در حوض مساجد نمایان می شود و یا آبی که در معبد آناهیتای بیشابور جاری می شود دوباره از فواره هشت بهشت و باغ چهلستون فوران می کند. چرخه آب مرزها و رنگ ها و مذاهب را نمی شناسد. از قیود زمینی فراتر می رود و ابعاد آسمانی پیدا می کند. تمام بناهای ما که با آب ترکیب شده اند پیامی ظریف اما گویا همراه دارند. اینکه در این دنیا هر قطره از آب با تمام آب های جهان مرتبط است (علم الهدی، ۱۳۸۲، ۷).



با توجه به یافته‌های پژوهش در جدول زیر به صورت تحلیلی به مطالب اشاره شده می‌پردازیم.

جدول ۲- معنا و مفهوم آب در ادوار مختلف (ماخذ: نگارندگان)

|  |                            |
|--|----------------------------|
| <p>اهمیت وجود آب به عنوان عنصری حیاتی نزد اجداد اولیه بشر، امری شناخته شده بوده است. این موضوع که آب از آغاز حیات انسان اهمیتی شایسته داشته است موضوع تازه و ناگفته‌ای نیست. حتی بشر غار نشین چشمه یا نهری را که در کنارش بود، سخت گرمای می‌داشت و هر چه در مسیر امرار معاش جلوتر می‌رفت بر این گرمای داشت افزوده می‌گردید. همیشه رابطه‌ای تنگاتنگ میان انسان و آب وجود داشته و این عنصر در اندیشه‌ها و باورهای قدیم به عناوین مختلف گرمای و حتی مقدس بوده و طبعاً ایزدی داشته و اسطوره‌ای و آیین‌های عبادتی.</p> <p>مردم در زمان‌های قدیم در تشریح شگفتی‌های آب بسیار کوشیده و اسطوره‌های فراوانی برای این پدیده ساخته‌اند. نخستین داستان در مورد آب از تمدن سومری است در این داستان‌ها از جهانی سخن گفته شده که تنها از آب به وجود آمده بوده و کائنات مشتمل بر آسمان و زمین بعدها از آب سر به در آورده بوده‌اند.</p>   | <p>آب در اساطیر</p>        |
| <p>نظر ایرانیان باستان آب عنصری مقدس بود که آلودن آن مجاز نبود و علاوه بر آن تطهیر و پاکی انسان و زندگی او امری توصیه شده و مورد توجه بود، به منظور رعایت هر دو مورد (یعنی حفظ تقدس آن و پاکی انسان و زندگی او)، راه‌هایی اندیشیده می‌شد تا بتوان به این دو امر ظاهراً متناقض جامه عمل پوشاند. بی‌مناسبت نیست تا به مثال‌هایی از مرحوم مهندس پیرنیا توجه شود: در گذشته‌های دور (از حدود ۱۵۰۰ یا ۲۰۰۰ سال قبل) شستشوی معمولی به صورت حاضر نبود. گرمابه ساختمانی گرم با ظرفی بزرگ به نام آبن بود. از آن جهت که آب را مقدس می‌شمردند و نمی‌خواستند آن را آلوده کنند، آب استفاده شده را بعد از استحمام روی زمین یا به آسمان پاشیده و به هیچ عنوان آن را وارد آب پاک نمی‌کردند. هنوز نیز در حومه شهر یزد، در موقع شستشوی لباس به طور مستقیم به نهر آب دست نمی‌زنند، بلکه مجرای در کنار نهر ایجاد می‌کنند و اتصال آن با آب روان را از بین می‌برند و در آن رخت خود را می‌شویند و بعد از استفاده، روی آن خاک می‌ریزند یا آن را بر روی زمین می‌پاشند. در سیرجان برای جلوگیری از آلودگی آب قنات، آبی به نام شیفتل (شیفت به معنی زیر و تل به معنی زمین) داشتند. کهن شیر یا آب روان از تمام خانه‌ها می‌گذشت (از آشپزخانه و دیگر فضاهای مورد نیاز) و آب مصرفی تمیز را با ظرف برداشته، آب مصرف شده را در شیفتل می‌ریختند و سپس به بیابان هدایت می‌کردند.</p> | <p>آب در فرهنگ ایرانی</p>  |
| <p>فرهنگ ایرانیان، پس از اسلام در جملگی زمینه‌های خویش متأثر از تعالیم و جهان بینی اسلامی بوده است. به این ترتیب اولین منبع استخراج موضوعات مرتبط با آب نیز متون اسلامی خواهد بود. با این تذکر که کلمه «ماء» به معنای آب ۶۱ بار در قرآن کریم تکرار شده است، در تفکر اسلامی آب به عنوان مایه اصلی حیات معنای نمادین والایی را در خویش مستتر داشته و به عنوان بسیاری ارزش‌ها و زمینه‌ها لازم برای زندگی سالم و پایدار در زمین ایفای نقش می‌کند. در واقع با ظهور اسلام و گسترش آن، ایرانیان مسلمان نیز ضمن حفظ آن دسته از رسوم و باورهای خویش در مورد آب که تضادی با تعالیم اسلام نداشت، با توجه به تعالیم اسلامی، فرهنگ خویش را غنا بخشیده و در مقوله رابطه انسان با طبیعت و از جمله آب آن چنان رشدی را جلوه‌گر نمودند که در کمتر منطقه‌ای از جهان قابل مشاهده است.</p>  | <p>آب در دین اسلام</p>     |
| <p>درک مفهوم آب در معماری همان درک معماری آب است: درک قوانین فیزیکی رفتار آب، احساسات ما در تقابل کنش و واکنش آب و مهمتر از همه نقش و تمثیل و ارتباط آن با زندگی انسان ها. در این میان معماری از تمامی ویژگی‌های آب بهره می‌گیرد و از همین روست که رابطه انسان و آب در معماری سرزمین‌های گوناگون، آئینه‌ی فرهنگ‌ها می‌شود، آب و نقش آن در شکل‌گیری زیستگاه‌های انسانی اولیه، پاسخ به نیازی زیستی و فراتر از آن که خانه‌سازی بار فرهنگی می‌گیرد، معماری جلوه می‌کند و آب جایگاه هنری خود را پیدا کرده و از خلاقیت هنرمندان معمار پرمایه می‌شود. درهم آمیختن آب و معماری به شیوه‌ای خلاق، به زایش نیروی نهفته‌ای منجر می‌شود. دنیای آب از تمامی فرهنگ‌ها لاجرم عبور کرده و هر فرهنگ با زبان و شیوه‌ای که دارد آن را در محیط زیست و مسکن جای می‌دهد.</p>  | <p>آب در معماری ایرانی</p> |

ادامه جدول ۲- معنا و مفهوم آب در ادوار مختلف (ماخذ: نگارندگان)

|   |                             |
|---|-----------------------------|
| <p>آب در همه ابعاد زندگی باشندگان سرزمین باستانی مازندران حضور چشم‌گیر داشته و با همه عناصر فرهنگ این سرزمین سخت درآمیخته است. شناخت مازنی‌ها و دانسته‌های ابتدایی آن‌ها از آب اغلب آمیخته با پندارها و باورهایی است که ریشه در اسطوره‌ها و آئین‌های مبتنی بر آن‌ها دارد. بنابراین احترام و ستایش آب به عنوان مایه حیات و هستی بخش که در معیشت آن‌ها مؤثر واقع بوده، و در نزد ساکنانشان پاک و مقدس شمرده و آن‌را منشأ هستی و مواد اولیه آفرینش به‌شمار می‌آورند. اهمیت و جایگاه و منزلت آب در فرهنگ ساکنین مازندران به گونه‌ایست که در نمایش‌های آیینی آن‌ها راه یافته و بازتاب خاصی داشته است. به‌عنوان مثال مراسم باران خواهی. به صراحت می‌توان گفت که رابطه آب و طبیعت با مردم مازندران ریشه عمیقی دارد.</p> | <p>آب در فرهنگ مازنی‌ها</p> |
|---|-----------------------------|

## نتیجه‌گیری

آب مقدس است و انسان وقتی بر یک پدیده مهر تقدس می‌زند، که در زندگی او نقش و حضوری کارآمد داشته باشد و آن چه مقدس می‌شود، از گذر سال و ماه عبور می‌کند و پاسداری می‌شود. چنین است که باورها و اعتقادات بر پایه جهان‌بینی و نیازهای زیستی مردمان پدید می‌آیند. حیات بشری ابتدا به آب و عناصر طبیعی پیرامون آن وابسته بوده است. آب به عنوان آیتی از آیات الهی علاوه بر محترم و قابل تقدیس بودن و جنبه‌ی معنوی آن موجب ایجاد شرایط روحی مساعد و آرامش فکری در محیطی بهشت گونه می‌شود. آب انعکاس دهنده آسمان است. آسمان مملو از پرتو خورشید است، پس آب انعکاس دهنده‌ی پرتو خورشید خواهد بود.

آب در حالات مختلف تأییدات متفاوتی بر روی انسان دارد و هر کس به فراخور سن خویش بهره‌روانی خاص خود را می‌برد. آب درون استخرها باعث آرامش و راحتی روح انسانی و توازن زیست‌شناختی او می‌شود. آب جاری در رودخانه‌ها و کانال‌ها، با جریان دایمی و پویا شوق حرکت را در آدمی زنده می‌کند. آب در آبشارها حالتی دیگر را در آدمی بیدار می‌کند، عظمت آبی که جاری است، هیجان زائد الوصفی را در آدمی به وجود می‌آورد، به همین خاطر در دین اسلام از جایگاه عظیمی برخوردار می‌باشد.

بنابراین آب با ویژگی‌های خاص خود نقش مهمی در ایجاد آرامش، آسایش و تأمل دارد و بهره‌گیری از آن انسان را به سوی تفکر در ارتباط با خالق این هستی متمرکز می‌شود. احترام به آب و تکریم آن، به تمام اقوام و ملل و گیتی متعلق است و خاص یک قوم و ملت نیست. تقدس آب در شمار جهانی‌های فرهنگی انسانی است و در همه‌ی فرهنگ‌ها از جمله مازندران به شکلی و به درجه‌ای جایگاه اعتقادی دارد و نقش و تجلی آن فراوان بوده است؛ هر چیز خوبی به آب نسبت داده می‌شود، هر چیز منسوب به آب، شاداب نام‌گذاری می‌شود و هر چیز پُر و پیمانی، آبدار شمرده می‌شود و به همان نسبت، حفاظت از صورت‌های گوناگون آن سنت شده و قرار قانون پیدا کرده است، لذا اهمیت مسئله آب بر کسی پوشیده نیست.

## مراجع

- ۱- اردلان، نادر؛ بختیار، لاله. ۱۳۸۰. حس وحدت. مترجم: حمید شاهرخ، اصفهان، نشر خاک.
- ۲- بیستونی، محمد. ۱۳۸۳. گیاه‌شناسی از دیدگاه قرآن کریم. تهران، انتشارات بیان جوان.
- ۳- پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۸۴. معماری اسلامی. تدوین غلامحسین معماریان، تهران، سروش دانش.
- ۴- دادور، ابوالقاسم؛ منصوری، الهام. ۱۳۹۰. درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان. تهران، الزهرا.
- ۵- شاملو، احمد. ۱۳۵۷. کوچه. تهران، انتشارات مازیار.
- ۶- شمیل، آنه ماری. ۱۳۸۲. رمزگشایی از آیات الهی. مترجم: عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۷- صالحی بالادهی، عالمه؛ صالحی، آتنا؛ نوری گلجاء، میثم، (۱۳۹۶). بازشناسی عناصر تزئینی باغ چهلستون در اشرف البلاد، بابلسر، چهارمین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران.
- ۸- طوفان، سحر. ۱۳۸۵. بازشناسی نقش آب در حیات خانه‌های سنتی ایران. باغ نظر، شماره ۶، صفحه ۸۱-۷۲.
- ۹- علم الهدی، هدی. ۱۳۸۲. آب در معماری باغ ایرانی. کتاب ماه هنر، شماره ۶، صفحه ۷.
- ۱۰- قریشی، امان ... ۱۳۸۱. آب و کوه در اساطیر هند و ایران. تهران، انتشارات هرمس.
- ۱۱- قهرمانی، رعنا. ۱۳۸۸. رویکردی به عنصر آب در اساطیر و فرهنگ اقوام مختلف. فصلنامه نقش مایه، شماره ۳، صفحه ۴۴-۳۵.
- ۱۲- کلاوس، هردگ. ۱۳۷۶. ساختار شکل در معماری اسلامی ایران و ترکمنستان. مترجم: محمد تقی زاده مطلق، انتشارات بوم.
- ۱۳- گریشمن، رومن. ۱۳۷۵. چغازنبیل (شهر دور اونتاش). مترجم: اصغر کریمی، جلد ۱ و ۲، سازمان میراث فرهنگی.
- ۱۴- لمبتون، آن کترین سوانیفورد. ۱۳۴۵. مالک و زارع در ایران. مترجم: منوچهر امید، تهران، نشر کتاب.
- ۱۵- مجتهدی، بهاره. ۱۳۹۰. جایگاه آب در طبیعت مثالی باغ بهشت. معماری منظر، شماره ۷۵، صفحه ۱۲.
- ۱۶- مقدم، محمد. ۱۳۵۷. درباره مهر و ناهید. انتشارات مرکز ایران مطالعه فرهنگی.
- ۱۷- میرفندرسکی، محمدمامین. ۱۳۸۴. باغ ایرانی چیست؟ باغ ایرانی کجاست؟. نشریه موزه ها، شماره ۴۱، صفحه ۱۰.
- ۱۸- ناییبی، فرشته. ۱۳۸۱. حیات در حیاط. تهران، انتشارات نزهت.
- ۱۹- نقی زاده، محمد. ۱۳۸۴. جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ شهدای ایرانی. تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- ۲۰- نقی زاده، محمد. ۱۳۸۵. مقاله باغ هستی‌الگویی ایرانی. برای طراحی یک فضای شهری. مجله محیط‌شناسی، شماره ۴۰، صفحه ۷۶-۶۳.
- ۲۱- نقی زاده، محمد ۱۳۸۷. مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲۲- نیلوفری، پرویز. ۱۳۶۳. باغ‌های ایرانی. تهران، جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- ۲۳- ویلبر، دونالد نیوتن. ۱۳۴۸. باغ‌های ایران و کوشک‌های آن. مترجم: مهین دخت صبا، تهران، نشر کتاب.
- ۲۴- هدایت، صادق. ۱۳۵۶. نیرنگستان. تهران، انتشارات جاویدان.